

قایق پر است!! این تصویری است که امروز نیز در بحث سیاسی در کشورها استفاده می شود. بعنوان یک دلیل در آلمان جایی برای خارجی ها نیست و پناهنده ها حقی ندارند و به اصطلاح کشتی پر است! و به این خاطر ما کسی را نمی پذیریم. بخاطر اینکه اگر بپذیریم ما هم از بین می رویم و برای آن باید دور مرزها دیوار بکشیم تا از این بلاها دور بمانیم. این تهدید را حس می کنیم که خارجی ها می خواهند پیش ما بیایند.. و این چه فکر محدودیست که اینها دارند. قایق پر است!! این طرز تفکر را نه تنها در اجتماع بلکه در جماعت کلیسای خودمان هم می توانیم ببینیم. ما یک گروه زیبایی بودیم که در آن یکدیگر را می شناختیم ولی الان آدم های جدیدی پیدا شده اند که مال این جماعت نیستند و ما آنها را نمی توانیم بپذیریم چون در آخر باعث از هم پاچیدن گماینده می شوند!! این چه فکر محدودیست!! قایق پر است! در دو سال اخیر در گماینده ما این به فکر من رسیده که چقدر خوب است که چند ایرانی پیش ما آلمانی ها هستند به دلیل اینکه آلمانها زیاد هستند می توانند از ایرانی ها محافظت کنند. ولی خیلی هم وطنان ما حالا می گویند که پاسپورت برای ما وقت کم دارد و همیشه ایرانی های زیادی اینجا می آیند. و قاضی ها پی که در دادگاه هستند باور نمی کنند که ما باجدیت اینان داریم و به کلیسا می آییم. ولی ما این جدیت را از طرف های مقابل خود نمی بینیم. قایق پر است این چه فکر محدودیست! بنابراین یک زمان برای پایان همه چیز است. قایق پر است! این چه فکر محدودیست. عیسی از خطبه هایش طور دیگر استفاده می کند، که نمی توان آن را در ذهن گنجاند. او نمی گوید که قایق پر است بلکه او می گوید محصول زیاد است. که یک تصویر دیگر از این مسئله است. و او به شاگردانش می گوید که در رو به جماعت نبنیدید. و او طلب کمک برای محصول بیشتر می کند. و عیسی یک کلیسای اختصاصی نیست، یا مثل یک کلوپ نیست که اعضا در آن برای خوش گذرانی و لذت جمع می شوند بلکه او از شاگردانش می خواهد که تلاش بیشتری کنند و به طرف همه کس بروند چون خیلی ها نیاز دارند و دوست دارند این کلام را بشنوند و به آن اطمینان کنند. بله در زمان مسیح او این کلام را عنوان می کردو قبل از استرن با شاگردانش از یک راهپیمایی از وسط اسرائیل و پیش از استرن از شاگردانش می خواهد که بر جماعت اسرائیلی ها متمرکز شوند که این پیام شادی را ابلاغ کنند. که خدا پیش جماعت خودش بیاید و او می خواهد برای همیشه این آدمها پیش او باشند. پس بعد از رستاخیز خودش شاگردانش را صدا می کند و این دستور را به آنها می دهد که همه جهان را شاگرد من بسازید. آن ماموریتیست که تا به امروز بر عهده ما مسیحیان مانده و او نگفته در یک جا ساکن باشیم. بلکه گفت بروید و آدم ها را برای من جمع کنید. برای خود مرزی قائل نشوید. این هم برای ما تا امروز هست. ما نباید درها را به روی خود ببندیم و دستهامان را به روی آدم های دیگر باز کنیم ما باید از این درهای رحمت استفاده کنیم. دو مثال خوب مسیح برای ما میاورد که چرا نباید بگوییم که قایق کلیسا جا ندارد، ما انسانهای دیگر را باید به مسیحیت دعوت کنیم و در خطر بودن انسانها برای ما نباید بی تفاوت باشد. بخاطر اینکه روز خدا نزدیک و پیش روی ماست. او به تو نگاه می کند، خداوند تو عیسی چطور از تو مراقبت می کند و از تو می خواهد که انسانها را دور هم جمع کنی او نمی گوید که انسان های گناهکار مرا عصبی می کنند. او انسانها را از خود نمی راند و آنها را جزئی از بدن خود می داند. چون او می بیند که آنها یک رهبر و یک هدف خوب ندارند. و از زندگی خیلی رنج دیدند. و مسیح نمی تواند از این همه رنج چشم بردارد. و او در اینجا دو کار انجام می دهد یک که می خواهد از شاگردان به عنوان کارگر در این محصول به او کمک کنند و از این طریق او از شاگردان می خواهد که به کمک انسانها بروند و بتواند آنها را اینطور به ملکوت خدا دعوت کند و تا امروز هم در این راه برای من رنج می کشد. و او دقیقا به انسانهای دور و بر ما که در خطر هستند نگاه می کند. همان هایی که ما چشم خود را بروی آنها بسته ایم. و ما با آنها در جماعت خودمان سرو کار داریم، همان هایی که از کشور خود مجبوراند فرار کنند، آنهایی که به آلمان آمده این تجربه را دارند که از لحاظ روحی و جسمی ضعیف هستند، بعضی از آنها حتی شب نمی توانند بخوابند چون حتی این رو نمی دانند که اینجا اجازه دارند بمانند یا خیر، و کسانی هستند که به خانوادشان فکر می کنند و اینجا کمک کمی دریافت می کنند. ولی عیسی در این زمان به ما یک نگاه عمیق دارد و می داند چه مشکلاتی داریم و می داند مشکل ما اداری نیست بلکه او می داند که از یک فقدان رهبر است که بدون او هیچ زندگی خوبی ندارند که مثل دین های دیگر که رهبر خوبی ندارند و آنها در این موقعیت سخت تنها می گذارند. پس آدم نمیتواند از این اشخاص به راحتی بگذرد. آدم ها باید از خدا خواهش کنند که کارگرهای زیادی برای این محصول بفرستد و آدم های زیادی بتوانند این پیام خوش را از مسیح بشنوند و آنها این تجربه را بکنند که کلام خدا به آنها کمک می کند. و آنها در میانند از این راه که مسیح عاشق آنهاست. به این دلیل ما می توانیم کارهای بهتری انجام دهیم و حرکت کنیم، بجای اینکه درها را به روی خود ببندیم. وقتی مسیح از محصول حرف می زند. به این فکر می رسیم که روز خداوند در راه است آیا ما انسانها به هدف خود رسیده ایم یا نه. خدا به ما وقت می دهد که آدمها را دعوت کنیم و برایشون از عیسی بگوییم تا در دادگاه خداوند نجات پیدا کنند، این کار دلیل آن نیست که ما در اجتماع خود احساس خوبی داشته باشیم. بلکه بیشتر این کارها به این خاطر است تا آدمهای زیادی نجات پیدا کنند. در این راه عیسی به ما ترس نمی دهد بلکه از ما جرات می خواهد تا در این راه حرکت داشته باشیم چون ما یک هدف والایی داریم. در روزهایی که تمام زجرها و بدبختی ها از ما پاک شده است و در آن روزی که خدا میاید و جهان تازه ای به وجود میاورد که در آن ترس یا رنج نیست و در آن هیچ کس منتظر کسی نیست به این دلیل که تمام ملت ها در وطن واقعی خودشان هستند و آدمهای زیادی مسیحی می شوند و سرزمین مقدس ما را می بینند و آنجا خیلی بزرگ است و جا برای همه است و از این روز به بعد دید خوبی پیدا می شود تا ما انسان های زیادی را از دست ندهیم قایق خدا هیچ وقت پر نمی شود و آمدن و ماندن در آن خواستنی است و جاودانه، و خدا در آن موقع به ما انسانها این پیغام خوش را به ما می دهد و می گوید که شما به این پیغام نیاز دارید. و همان انسان هایی که از اسلام می آیند باعث زیادی این محصول می شوند. آمین